



۲۰۱۸/۰۴/۰۱

صلاح الدین سعیدی

عوامل تراژیدی ملت ما!

جناب صالح در محور طلوع!

جناب امرالله صالح کدر جوان و در موارد خیر اندیش درین برنامه مذکور سیه دانه، جودر، سنگچل و گندم را به گفته ایرانی ها قاطی پاتی کرده، تلاش دارد به خورد شنونده و بیننده بدهد. اما خوشبختانه شنونده و خواننده بیدار، امروز سخت گیر است و بیداری سیاسی دارد. میداند بخشی ازین اظهارات و تحلیل ها ناشی از در قید بودن حلقه سیاسی و بخشی از عدم فهم عمق قضایا را با بخش های آن پیچیده ای موجود آن تفکیک نمی کند. مسلماً تلاش ما کمک به تصحیح در بخشی از برداشت های خطاء و در کجا به خطاء رفته اند مساعدت خواهد کرد.

خطای بحث شان در عدم برداشت درست از ضرورت مصالحه سیاسی و عدم اعتقاد شان به سیاست مصالحه سیاسی با یکی دو صحبت اول شان روشن است. تصادفی نیست که در دهه حاکمیت مستقیم شان در هفت سال در پوست ریاست امنیت درین بخش سیاست مصالحه سیاسی موفقیت نداشت.

- به فهم، منطق و شناخت من سیاست مصالحه سیاسی نه تضرع و نه هم کم ارزش دادن به نیروهای امنیتی است. مصالحه سیاسی تجرید دشمن از بین ملت و در دید جهان است.
- مصالحه سیاسی به مفهوم واقعی کلمه الترنا تیف خوب دیگر ندارد.

مخالفت با سیاست مصالحه سیاسی تعقیب همان سیاست نفیہ دیگران است که در حق خود آنرا جناب صالح شدیداً رد خواهد کرد. وی در مورد حزب اسلامی و تفاهم اخیرش با حاکمیت کابل را رد و ازین توافق حاکمیت کابل و توافق سیاسی بدون اخذ امتیاز چوکی از جانب حزب اسلامی را باز هم رد می کند.

حزب اسلامی به انتخابات باور و تأکید دارد، امتیاز گرفتن در قدرت سیاسی را از دست حاکمیت فعلی نمی خواهد و به انتخابات آزاد و شفاف می رود، اگر برنده شد و یا بازنده، نتایج مطابق قانون انتخابات را قبول دارد.

این یکی از بهترین توافقات سیاسی است که باید مثال قرار داده شود. رد کردن این تأکید به یکه تازی و ادامه جنگ در افغانستان و دوام سیاست نفیہ است که علماً صلح و ثبات را در جامعه مانع است.

گسست رهبری با قشر متوسط در نیروهای امنیتی که جناب صالح به آن باور دارد، علت دیگر نیز دارد که آن عمدتاً حزبی و سمتی ساختن نیروهای امنیتی در زمان طولانی حاکمیت نظار و جمعیت اسلامی است. سمتی سازی این ارگانها و به صورت مشخص جنرالان ارشد این ارگانها و غیر ملی بودن شان به اساس کار کردهای رهبری قبلی این ادارات است. حال که اقلأً تغییر آمده و یا در حال تغییر اند، خلاها و گسست بین این حلقات نیروهای امنیتی و بخش از رهبری اینکه بدون شک بی کفایت اند، محسوس است .

در قسمت اینکه طالب صلح نمی خواهند، جناب صالح خطاء میکنند. علت اینکه به نام طالب ای اس ای تجارت کرده و حلقات خیر خواه و افغانان با درد این حرکت را به صورت یقینی و بدون شک ترور و زندانی میکنند، شک نیست و این پروسه طولانی است. ملا برادرها، ملا برجان ها ، ملا آغا جان و ... دیگر رهبران طالب که به مجرد کار و اقدام در امر صلح افغانی به نابودی و یا هجرت مواجه شدند .

بخش های دیگر از صحبت شان نیز محدودیت های مشابه فکری دارد که ایشان مانند یک کدر جوان ضرورت به تجدیدنظر دارند .

مطالعه من نشان میدهد که بخش از واقعیت نگری های جناب صالح در دوسال اخیر موجب از دست دادن جایگاه و نفوذ شان در صفوف و حلقات مربوط شان و یا واضح بگویم سیاست رد شان به روش های لندغری که کتله های مربوط به حلقه وسیع نظار و مکتب دور و بر شان است، ایشان را در حالت تجرید ازین حلقه و خاندانی های حاکم قرار میدهد که این امر موجب شده و یا بادرک یک سلسله حقایق تلخ بخاطر حلقه مربوط متعصب پایینی خویش از اظهارات درست و سازنده یا دوری میجوید ویاسکوت میکند .

و اما نظر شان در مورد اینکه استخبارات چرا با خبر خویش در مورد سیستم کاری خویش و از جمله از افشاء استطراق سمع صحبت دارد، باید گفت وسایل تخنیکی استخباراتی زیاد اند و خامی ها در کار استخباراتی مراجع امنیتی از همان اول انقدر زیاد بود که استخبارات دشمن استخبارات ما را به بازی میکشاند و به تمسخر میگیرد که تأسف بار است. اینکه معاون اداره در کنفرانس خبری اعلام میدارد که شخص را در جلال آباد تصادفاً دستگیر کردیم و از وی تیلیفون یافتیم و بعد نمبر تیلیفونها و ... بحث شرم آور و سخت ضعیف است....

در مورد اینکه وضع چنین آمده و رسیده که نه حرف مردم را دولت میشوند و نه حرف دولت را مردم، باید گفت که: حرف مردم را دولت از همان آغاز نمی شنود و این گپ امروز نیست. ار حاکمیت گپ ملت را میشوند، این حاکمیت امتیازات کل ملت را به حلقه زور گو محدود خلاصه نمی کرد. جناب صالح درست فرموده که در حالت امروز والی فرمان امر خود را قبول نه میکند و تمرد پیشه کرده. تمرد و یاغی گری ای که منافع و مصالح دیموکراسی، مردم در آن یا اصلاً مطرح نیست و یا فرعی است. سخن مرکزی بقا در چوکی پُر درآمد ولایت و سهم منافع در تجارت شرکای حاکم مطرح است.

مسلم این است که پاکستان و استخبارات منطقه در تباہی به حُکام به زور و زر رسیده به زور ب ۵۲ دست به دست هم داده و تلاش دارند تا بقای خویش و تأثیر خویش را را در یک نشست بُن جدید خلاف نورمهای قانون اساسی

تثبیت کنند. تمام شواهد نشان می‌دهند که تشدید بمب‌گذاری‌ها و بی‌امنیتی‌های اخیر در تبنانی این حلقه‌ها صورت می‌گیرد.

دستگیری‌های بخش جنایتکاران بخاطر جای را نمی‌گیرند بخش اصلی انتحاری و بخش دستگیر شده معمولاً در برابر پرداخت پول جرم را اجرا می‌کنند و قربانیان اند.

هموطنان گرامی!

برماست تا عوامل عمده و فرعی تراژیدی ملت افغان را درک نموده و اگر خود هم نا آگاهانه و یا نا آگاهانه در صف شر و فساد قرار گرفته باشیم از آن خود را رها کنیم.

هموطنان گرامی، خوه‌ران و برادران!

اکثریت چوکی و زر پرستان خاندانی

دو دهه اخیر، دست به دست هم داده و در تبنانی با دشمن قسم خورده پاکستانی و قُم بخاطر کسب لقمه از کثافت، خون و باروت ملت افغان دست به کار و مصروف هماهنگی شرارت اند. آشوب می‌کنند تا حاکمیت را منقاد به جزیه دادن کنند.

بر شماست بی تفاوت نمانید و ادای رسالت نموده صدا و موضع روشن خویش را بلند کنید و مانع جزیه‌گیری شوید! نه شود که دیر شود! و ما علینا الا البلاغ المبین. دوکتو رصلاح الدین سعیدی

عوامل تراژیدی ملت ما!

